



نام و نام خانوادگی: رمضان علی رمضان نژاد ارفعی
نام پدر: عزت الله
محلیات: کربلای ۵
شغل: دانش آموزی
رسته: پیاده
تحصیلات: دیپلم
تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/۰۵
تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۱۰/۰۴
سن: ۳۵ سال
منطقه شهادت: ام الرصاص
نحوه شهادت: اصابت تیر
عضویت: بسیج

مکان: ۵ کربلا
موضوع شهادت: جهاد
وضیعت تاهل: مجرد
دین: اسلام - شیعه
وصیت نامه: دارد
زندگی نامه: دارد
شناخته: دارد
تایید شهادت: ندارد

وصیت نامه شهید رمضان علی رمضان نژاد

الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم الیه راجعون

آنان که به درستی دانند همانا ایشان دیدار کنندگان پروردگارشانند و همانا ایشان به سوی او بازمی گردند (آیه ۴۶ سوره مبارکه بقره)

وصیت نامه ام را بایاد خدا و به توکل بر خدا آغاز می کنم

مکتبی که بخواید استوار باند و حکومت الله در آن استوار باند هیچ راهی نذار دگر به یک شرط و آن این است که

باید شهید بدهد و باید خون بریزد و باید بھرت کند خوشبختانه مملکت ما شهید داد و خون هم داد تا به مقاومت و استواری

پا بر جای خود ایستاد و آرمانهای ۱۴۰۰ ساله رازنده نگه داشت و یکایک مامق و شریک هستیم و تنها حق گفتن

و شعار گفتن نباشد و باید کار ایمان را عملی کنیم و آن حق چیست؟

این است که مال و جان خودمان را بدیم تا در سرای آخرت در پیش خداوند تبارک و تعالی و انهم معصومین (ع)

معبود: تو را حمد و سپاس می گویم که مراد این زمان و مکان به دنیا آوردی و از پیروان امام عزیزمان، نائب امام زمان، کسی که او را دوست نداشته باشد بون شک امام زمان را یاری نمیکنند... بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد... و من این وصیت نامه را آن موقعی می نویسم که بدفتم را شناختم و به سوی او می شتابم و چندین بار با نوشتن آن سعادت نصیبم نشد ولی این بار از خداوند خواهانم که سعادت و توفیق شهادت را نصیبم نماید و انشاء الله آخرین وصیت نامه ام است که توفیق پیدا کردم.

شهادت برای ما پشیمانماند این است که پرنده ای از داخل قفس به بیرون پرواز کند، آرمی ما سنگی به سلاح نیستیم و نبودیم و این قدرت؛ قدرت مافوق قدرتهای شیطانی همچون قدرت لایزال الهی میباشد. و تکلیفی را

که بر خودم میدانم شاید اندکی دین خودم را فدای اسلام عزیز بعد از ۱۴۰۷ سال نمایم

من فقط به ۳ جهت این راه را انتخاب کردم ۱- برای قرب الهی برای نزدیکی به معبود خویش

۲- فی سبیل الله جان دادن ۳- برای لقاء الله



و شمای پدر و مادر کرامیم بعد از شهادت من کمره وزاری نکنید، این کمره

وزاری را برای امام حسین و فرزندانش در صحرای کربلا بکنید، و من

مال شما نیستم. از آن خدا، هستم که او هر وقت اراده نماید و مرا لایق

دانست تا آیتهایش را بنیم و پیش خودش میبرد.

از دوستان. فامیلان مومن اگر بدی از من دیده اید به بزرگیتان مرا

عفو نماید مسجد را خالی نکنید و برادران حزب الله نماز که ستون دین

است هرگز حتی یک لحظه آنرا ترک نکنید و جنگ ما و فرق بابا کفر یک چیز است و آن هم نماز است.

برادران عزیز غیبت برادران مومن را هرگز نکنید و حتی مجالس غیبت شرکت نکنید. و در مجالس مذهبی بیشتر

شرکت کنید، مجلس ختم را خیلی سبک بگیرد تا اجر بیشتری بیاید. برادران عزیزم راه مراد ادامه دهید و جبهه های

اسلام عزیز را ترک نکنید. هرگز برای من کمره نکنید که خودتان می دانید بیج جایش جبهه است میدانید بیج

جایش در جبهه است، در شهر خود غریبی می کند و در جبهه آشنائی دارم مجلس است و خواهرانم هرگز برای برادر خود

اشک نریزند زینب وار ممبر داشته باشید. چرا که خداوند بزرگ بر آن را دوست دارد. و در پایان وصیت جدم
رادکنار مزار (شریف) شهید تقی محمودیان - دفن کنید در موقع دفن دستانم را باز کنید تا دنیا طلبان بدانند که من با
خودم از دنیا چیزی نبردم و چشمانم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند که من این راه را کورکورانه انتخاب نکردم
و مشتایم را گره کنید و در لحظه آخر بانی جانی برده‌ان منافقان بگویم.

و دعا بجان امام رزمندگانه سلام را فراموش نکنید.

(عزیزان می روند نوبت به نوبت)

خوش آن روزی که نوبت بر من آید

(خداوند حافظ پدر و مادر و برادران و خواهران عزیزم)